معمی لفظی اسم مفعول و یا اسم مکان و یا مصدر میمی در تعمیه
تعمیه لغت پوشیدن و نهان کردن

تعریف معما کلامیست که بوجه صحیح دال باشد بر اسم از اسما بطریق رمز و ایما ... اشتراط نظم بنا بر آنست که جوبان قواعد معمایی در نثر نیز واقع است چنانچه در بعض الفاظ تعریف مذکور بعض از عبارت بوجه صحیح دال باشد بر اسمی نام قاسم استخراج میر بابه

میر حسین

۹۸

باسمه سبحانه و تعالی

چو از حمد و تحیت یافتی کام	بدان ای در معمی طالب نام
که اعمال معمایی سه قسم است	که هر یک گنج اسرار طلسم است
یکی اعمال تحصیلی که از وی	بتحصیل حروف آرد خرد پی
دوم انها که در تکمیل صورت	بود صاحب معمی را ضرورت
سوم اعمال تسهیلی که دانا	ازو گردد بر آن باقی توانا
اعمال	**تسهیلی**
تحت اقسام تسهیلی سخندان	گران گردد دو قسم دیگر آسان
بود آن انتقاد آنگاه تحلیل	پس از تحلیل آنگه ترکیب و تبدیل

کام کاف عربیه مراد معانیه در کاف عجمیه آدم در کام لغة مشترکه در معانی ... کام کام از ... مراد در ...

حروف که تحصیلیه عقل از کلمات دیگر ...

و تسهیلی آنکه سبب سهولت یکی از دو قسم باقی گردد
میر حسین

عمل انتقاد

چنانکه از حروف نخستین کلمه بدل و مفتتح و سر و روی و تاج و بالا و امثال آن تعبیه کنند و از حروف آخر کلمه باخر نهایت و پای و پایان و نقطه انرا نشان دهند و از صدر و وسط کلمه بوسط و دل و قلب و امثال آن نشان کنند و بیت گویند مثلا اول و آخر خوا چند و مغز ذکر کنند ما بین الطرفین اراده نمایند
مثلا جامی

چه باشد انتقاد اندر عبارت	بجز لفظها کردن اشارت
نگارم هیچ دل زانجمن برد	بزیر کاکلش از بیداد بسپرد
عمل تحلیل	
چو سازی لفظ مفرد را اجزا	بود تحلیل در فن معما
به غم گر شحنه برستان دلیر است	که ما را روبه آمد گرچه شیر است
ترکیب	
چو لفظ چند را سازی بهم ضم	گران آید یکی مفرد فراهم
وزان معنی بود لفظ مقصود	بترکیبش توان تفسیر فرمود
دگرگون شد ز صبر بی برم حال	زخون دیده کردم روی زر دال
عمل تبدیل	
چو لفظی را بدل سازی بیکبار	بلفظ دیگر اندر نظم اشعار
درین فن نیست جز تبدیل ناشر	کنون زین سازم از تمثیل ناشر
نگون گردند بوی آن گیسوانرا	که ناف مشکبارست آهوانرا
اعمال تحصیلی	
چو شد اعمال تسهیلی مفصل	بتحصیلی کنم انرا مکمل
نباشد قسم تحصیلی بجز نه	شمارم گر کنی سویم توجه

نجم

بها

فراهم بریه در ...

صدر و صفی

مبارک

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)